رسالهٔ مکیهٔ مخدوم الملک شیخ شرف الدین احمد قدس سره

خانقاه بلخیه فردوسیه
عظیم آباد، پٹنہ
پوره فتوحه

بسم الله الرحمن الرحیم

پوره فتوحه

ای عزیز

ذکر بر چهار گونه است اول ناسوتی یعنی ذکر شریعت لا اله الا الله محمد الرسول الله
دوم ملکوتی یعنی ذکر اسم ذات الا الله سوم ذکر جبروتی یعنی ذکر ذات الله
چهارم ذکر لاهوتی یعنی الا الله حقیقت هویت واحدیت ذکر کلمه اشارت هو
این را مکانیه نیز گویند بجز این هرگز مکاشفه لاهوت مجرد نشود و نیز ذکر زبان را
ذکر ناسوتی گویند و ذکر روح را جبروتی گویند و ذکر سر را ذکر لاهوتی گویند
فاما ذکر لا اله الا الله نیز بر چهار نوع است اول یک حلقی دوم دو حلقی سوم سه حلقی
چهارم چار حلقی که آنرا احدادیه و ذکر مذاقیه و ذکر طیفوریه گویند ذکر ملکوتی یعنی
الا الله نیز هفت نوع است اول یک ضربی و یک رکنی دوم دو ضربی دو رکنی سوم
سه ضربی سه رکنی چهارم چار ضربی چار رکنی پنجم پنج ضربی و پنج رکنی ششم شش ضربی
و شش رکنی و هفتم هفت ضربی هفت رکنی و نیز بعضی این ذکر به دوازده
ضرب هم ذکر کرده اند و آن ذکر را ذکر خضری میگویند و درین ذکر حال غالب میشود
و خود را بدست حال ندهند و حال را بدست آرد بیت پیر آن نبود که حال غالب اوست

پیر آن باشد که حال طالب اوست ❀ این مقام عارفان و کاملان است و ذکر جهر دوئی
یعنی الله الله و ذکر لاهوتی هو هو و ذکر الا الله هفت نوع است اول جبرئیلی
و سهروردی و قصاری اول کلمه یعنی لا اله از دل تا ناف بکشد از فرود بالا برد باید
که چهار الفی بر استا برود مقداری گردن را پیش دهد بدانند که مراد از پیش گردن آنست
که دنیا را از دل کشیدم در پس پشت انداختم بعده در دل ضرب کلمه لا اله کند درین
رمز آنست که محبت حق در دل اثبات کردم و تقرب بغایت او جستم انوار او را در
دل انداختم فاما در دل محکم ضرب کند تا سنگ معنوی شکسته شود زیرا که هر چیز را صقلی است
و مصقل دل کلمه نفی و اثبات است پس هر واحد را بقوت شدید با حبس انفاس
تمام کند بلکه شرط تمام دانند و در هر ذکری جهراً کاملاً و خفیاً دوم ذکر سمان(?)
جبریان فردوسیان و جامیان و آن آنست که لا اله را از دل بکشد بطرف
آسمان سر راه با آمد صفت نفی بعده کلمه اثبات را در دل ضرب کند فاما لا موجود
لا محبوب و لا مطلوب و لا مقصود الا الله را در حالهٔ نفی در دل تصور کند در هر ضرب
کلمه اثبات موجود و معبود را در دل وهم کند در هر ذکری حبس انفاس شرط کلی دانند
که در هر ذکری حبس انفاس شرط درین تا سر تمام است برای رفع خطرات بجز حبس
انفاس خطرات نرود و دیگر کیفیت مراقبه انسبت هر آیتی و کلامی که در کلام مجید
و فرقان حمید دلالت بر معنی توحید کند آن کلمه و آن آیت در باطن ملاحظه
کند حق سبحانه تعالی مقصود او را فتح کند چند کلمات نوشته شده اند دیگر

Scanned with CamScanner

آیات همبرین قیاس کنند مراقبه وهو معکم اینما کنتم مراقبه اینما
تولوا فثم وجه الله مراقبه الم یعلم بان الله یری مراقبه نحن
اقرب الیه من حبل الورید مراقبه ان الله علی کل شیء
محیط وفی انفسکم افلا تبصرون مراقبه حاضر الله ناظر
الله شاهد الله ای عزیز باید دانست رمزی از رموزات اذکار
مراقبات نموده اند تا اصلاح این قوم دا بسته باشند همین یکم مراقبه بسنده است
ذکر انوار در حالهٔ ذکر مراقبه پیدا شود بانواع سپید و ام سبز و ام زرد و ام
عقیق و ام سیاه و ام پس نوری که در ذکر و فکر ظاهر شود بداند آن کراما کاتبین است
که ایشان اعمال می نویسند اگر مطلق ظاهر شده است بی اتصال کیفیت بسر
بدانکه نور مرشد است پیش ظاهر شده است از جانب قبله بدانکه آن نور الرفیق
ثم الطریق در حق اوست آن نور محمد است زیرا که هادی طریق مستقیم است
واگر نور از کتف چپ ظاهر شده بی اتصال بدانکه آن نور ابلیس است ونیز اگر در پس
ایستاده یا از پس ظاهر شده است آن نور ملائک است برای محافظت حالت
ذکر ظاهر شده است پس نیز ببینی که ابتدا آن نور حضور در ظاهر نو و هست
در آید بعد از رفتن او هیچ حضور در باطن نمانده بدانکه آن نور ابلیس است اگر
نوری ظاهر شود بجهت پس اگر در وقت ظهور وجه سرور در خاطر آمده بعد
رفتن فراق در خاطر مانده باشد اشتیاق وطلب زیاده گردد آن نور مقصود است

آیات همبرین قیاس کنند مراقبه وهو معکم اینما کنتم مراقبه اینما
تولوا فثم وجه الله مراقبه الم یعلم بان الله یری مراقبه نحن
اقرب الیه من حبل الورید مراقبه ان الله علی کل شیء
محیط وفی انفسکم افلا تبصرون مراقبه حاضر الله ناظر
الله شاهد الله ای عزیز باید دانست رمزی از رموزات اذکار
مراقبات نموده اند تا اصلاح این قوم دابسته باشند همین یکم مراقبه بسند است
ذکر انوار در حالت ذکر مراقبه پیدا شود بانواع سپید وام سبز وام زرد وام
عقیق وام سیاه وام پس نوری که در ذکر و فکر ظاهر شود بداند آن کراما کاتبین است
که ایشان اعمال می نویسند اگر مطلق ظاهر شده است بی اتصال کیفیت پس
بداند که نور مرشد است پیش ظاهر شده است از جانب قبله بداند که آن نور الرفیق
ثم الطریق در حق اوست آن نور محمد است زیرا که هادی طریق مستقیم است
واگر نور از کتف چپ ظاهر شده بی اتصال بداند که آن نور ابلیس است ونیز اگر در پس
ایستاده یا از پس ظاهر شده است آن نور ملائکست برای محافظت حالت
ذکر ظاهر شده است پس هر بار ببینی که ابتدا آن نور حضور در ظاهر تو هست
در آید بعد از رفتن او هیچ حضور در باطن نمانده بداند که آن نور ابلیس است اگر
نوری ظاهر شود بجهت پس اگر در وقت ظهور وجه سرور در خاطر آمده بعد
رفتن فراق در خاطر مانده باشد اشتیاق وطلب زیاده گردد آن نور مقصود است

۶۵

۳

اگر نور بالای ناف ظاهر شده است برنگ آتش است بسیاهی میزند آن نور خناس است اگر نور از بالای دل ظاهر شده است برنگ سپید است آن نور روح مشکل است آنرا فیض فیاض میگویند دل طلب کمالیت پیدا کرده است و مایه حقیقت خویش نموده است اگر نور همچون آفتاب ظاهر شده است آن نور نیز از روح است اگر مثل ماهتاب ظاهر شده است آن نور دل است ای عزیز طالب را باید که در مجاهده و مشاهده و محاسبه و معاینه و مراقبه خود را نگاهدارد مجاهده چیست یعنی هو الغزا مع النفس والشیطان والمشاهدة رویت الله فی الحجاب والرفیق هو المخلوقات کلها محاسبه کردن اقوال و احوال خویش را شب و روز معاینه کند معاینه چیست عین بعین شدن بخدای عزوجل نگهبانی را گویند که اول خود را نگاهداشتن اکنون بدان ای عزیز که شغل اذکار را گویند و تصور حاضر کردن صورت را قال علیه السلام تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة قال الله تعالی ان الله تعالی لا ینظر الی صورکم ولا الی اعمالکم ولکن ینظر الی قلوبکم ونیاتکم ثم قال الله اطلب الرزاق وکا بطلب الرزق فان رزاق طالبکم والرزاق مطلوبکم وکل نفس یخرج بغیر ذکر الله تعالی فهو میت وعلامة قذف النور فی القلب الذکر الله

تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة

تعالی انشراح صدره وظلمانیة قلبه بالذکر وعلامة
انشراح الصدر ترك الدنیا والاعراض اعرضها العاشة
وعلامة اطمینان القلب قرارة عینیه بنور الایمان
والمقذوف فی صدره عند علیه الذکر انا الحق والحقیق
وفی صطلاح مشایخ الصوفیه فالحق هو الذات والحقیق
هی الصفات فالحق اسم الذات والحقیق اسم الصفات

تمام شد رساله مکیه تصنیف حضرت
مخدوم شاه شرف الدین قدس سره

خانقاه بلخیه فردوسیه
عظیم آباد، پٹنہ
رائے پوره فتوحه

مملوکه خانقاه بلخیه فردوسیه
رائے پوره فتوحه پٹنه

فقیر البصار بلخی فردوسی

26

Scanned with CamScanner